



شناسایی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده تربیت دانش‌آموزان کارآفرین در هنرستان‌های فنی حرفه‌ای به‌منظور ارائه یک مدل مناسب

محمدحسین عهدی هوجقان

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

صادق ملکی آوارسین (مسئول مکاتبات)

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

s.s.maleki@iaut.ac.ir

جهانگیری حاج عطالو

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۰۳-۰۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱-۰۵-۲۶

چکیده

باتوجه به هدف پژوهش عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده تربیت کارآفرینی هنرجویان در استان‌های شمال غرب کشور و نواحی ۵-۱۵-۱۸ تهران مورد شناسایی شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش تحلیل محتوای کیفی به عنوان روش تحقیق استفاده شد. جامعه آماری را اعضای اساتید شاغل در دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، صنعتی و هنرستان‌های آموزش و پرورش تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری هدفمند تا جایی ادامه یافت که با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از اعضای نمونه به اشباع نظری رسید. برای اعتبارسنجی و به‌دست‌آوردن روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و سه سویه‌سازی استفاده شد. پایایی مصاحبه‌ها به روش پیاده‌سازی عینی و دقیق گفتار مصاحبه‌شوندگان انجام شد. نگارنده جهت اطمینان از پایایی از روش توافق بین دو کدگذار بهره برده است. ضریب پایایی بین دو کدگذار ۰/۹۶ بود. با استفاده از نتایج حاصل از بررسی داده‌ها و تجزیه و تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌گرفته، شاخص‌ها و معیارهای عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده تربیت هنرجویان در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای شناسایی شد. تعداد ۱۴۰ کدباز اشباع شده استخراج و از تلفیق آنها تعداد ۳۲ کد محوری و از تلفیق آنها نیز تعداد ۴ کد انتخابی احصاء گردید. پس از طی سه مرحله کدگذاری الگو ارائه گردید. نتایج به‌دست‌آمده کلاً چهارعامل در نوع تربیت هنرجو مؤثر نشان داد. عوامل شناسایی شده عبارت‌اند از ۱- عوامل فردی ۲- عوامل ساختاری ۳- عوامل محیط بیرونی ۴- عوامل محیط درونی است. مطابق آزمون‌های صورت‌گرفته مهم‌ترین و بیشترین عامل تأثیرگذار در جهت کارآفرینی عامل فردی با میزان بارعاملی برابر با ۷۶/۰٪ بود.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، شناسایی، تسهیل کارآفرینی، بازدارندگی کارآفرینی، هنرستان فنی و حرفه‌ای.

مقدمه

ص ۱۱). محققان روی هم رفته چهار ویژگی کلیدی یک فرد کارآفرین را در انگیزه، شناسایی فرصت، ریسک و عدم اطمینان و توانایی در شبکه‌های کامپیوتری مورد شناسایی قرار داده‌اند (ریگی، رونقویز^۵، ۲۰۱۰، ص ۳). همه این ویژگی کلیدی بیان کننده ویژگی‌های فردی هستند. در این زمینه یکی از بزرگ‌ترین مسائل کلیدی تربیت کارآفرینی هنرجو، توجه به ویژگی‌های فردی است. در این زمینه اولین عامل فردی آموزش هنرآموز در هنرستان است. مقوله آموزش هنرآموز بیشترین تأثیر در تربیت کارآفرینی دارد. در واقع مهم‌ترین عملکرد آموزش تربیت است و این به عنوان امری بدیهی در سراسر جهان پذیرفته شده است. در اینجا سوال مطرح می‌شود و آن این که برای تربیت کارآفرین نحوه آموزش و استفاده از ابزارها چگونه باید باشد؟ مسئله دیگر بروز فرصت‌های کسب و کار است. فرصت‌های کسب و کار می‌توانند از مشکلات و نیازها در بازار، پیشرفت‌های تکنولوژیک، تغییرات در سیستم‌های قانونی یا حتی مواردی مانند تغییر سلیقه و رفتار مشتریان به وجود آیند. اما دیدن و یافتن و شناسایی این فرصت‌ها می‌تواند چالش‌هایی داشته باشد و نیازمند دانش، تحلیل و بررسی دقیق بازار و محیط کسب و کار است.

مسئله دیگر که معمولاً در کارآفرینی هنرجو مطرح می‌شود، به بهره‌برداری از فرصت‌ها و تبدیل آن‌ها به کسب و کار است. ایده برای یک کسب و کار می‌تواند جذاب و نوآورانه باشد، اما برای رشد و پیشرفت بیشتر، نیازمند توانایی‌های کارآفرین برای ساختاردهی، مدیریت، بازاریابی و مقابله با رقبا و چالش‌های مختلف است. همچنین، منابع مالی و تأمین سرمایه نیز یک مسئله مهم در کارآفرینی است. برای راه‌اندازی، توسعه و رشد یک کسب و کار، نیاز به سرمایه و منابع مالی قابل

امروزه نیاز به دانش‌آموختگان کارآفرین افزایش یافته و هدف بسیاری از هنرستان‌های معتبر جهان پرورش دانش‌آموختگان کارآفرین است. لذا این مقوله به عنوان دستور کار ملی به منظور توسعه کارآفرینی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است (یوسفی محمدی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲). کارآفرین شخصی است که با خلاقیت خود و تولیدات، از راه پیدا کردن محصول یا خدمات مورد نیاز جامعه سرآمد می‌شود (تاز، کاراول^۱، ۲۰۲۰، ص ۱). کارآفرین نقش اساسی در موفقیت اقتصادی و ثبات اجتماعی بسیاری از کشورهای توسعه یافته را دارد (جنا، ۲۰۲۰، ص ۱). در این خصوص آنچه یک فرد کارآفرین انجام می‌دهد، کارآفرینی نامیده می‌شود (گوندوگدو^۳، ۲۰۱۲، ص ۴). مسئله کارآفرینی یک موضوع مهم و پربحث در حوزه اقتصاد و توسعه است. کارآفرینی مفهومی شبیه آفتاب پرست دارد که هرکسی آن را به گونه‌ای خاص درک می‌کند (الوانی و دیگران به نقل از سدلر^۴، ۱۳۹۰، ص ۳). از نظر (سیکولا - لینو^۵، ۲۰۱۸). کارآفرینی در مفهوم به عنوان توانایی فرد برای یافتن ایده کسب و کار و تبدیل آن به عمل تعریف می‌شود. شین^۶ کارآفرینی را به عنوان «فعالیتی که شامل کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها» تعریف می‌کند، او این تعریف را به عنوان یکی از تعاریف مدرن و قابل قبول از کارآفرینی در اقتصاد معاصر بیان می‌کند (زو^۷، ۲۰۱۸، ص ۱۲). کارهای اولیه بر روی کارآفرینی دارای رویکرد اقتصادی بودند، بعدها رویکردهای روان‌شناسی، جامعه‌شناسی نیز به آن اضافه شدند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳). بدین ترتیب در روان‌شناسی بر ویژگی‌های شخصیتی فرد و در جامعه‌شناسی به عوامل فرهنگی و اجتماعی پرداخته شد (ظهیری، ۱۳۹۰،

⁵ Seikkula-Leino, J

⁶ Shane

⁷ Xue, Yitong

⁸ - Brian Rigley Ramona Rönqvist

¹ TAZE, Mustafa. KARAYOL, Metin

² Jena. R.K

³ Gündoğdu, Mehmet Çağrı

⁴ Sadler

است. برابر گزارش منتشر شده مرکز آمار ایران در سال (۱۴۰۱)، کل هنرجویان بیکار ۶/۶۰ است. ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی دیده‌بان کسب‌وکار معتقدند در سال (۱۴۰۱)، هزینه کسب‌وکارها به دلیل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یافته است. به طور معمول افزایش هزینه‌ها باعث کاهش کارآفرینی می‌گردد. ۳۲٪ درصد شرکت‌کنندگان نیز معتقدند در سال (۱۴۰۱)، میزان فعالیت کارآفرینی کاهش یافته است. میزان فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران طی پنج سال گذشته تقریباً ۱۰ درصد بوده است (کردنائیج و همکاران، ۱۳۹۲). وضعیت موجود توصیف شده نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب بیکاری هنرجویان است. این وضع نشان‌دهنده ضعف عملکرد کشور در زمینه تربیت هنرجوی کارآفرین است. وضعیت موجود با اهداف تأسیس هنرستان و اهداف تربیتی مغایرت دارد. مطابق آمارهای صورت‌گرفته فوق‌الذکر می‌توان نتیجه گرفت که مشکل اصلی عدم توانایی کافی هنرجویان در کارآفرین شدن است. عدم توانایی هنرجویان از یک‌سری مؤلفه‌ها ویژگی‌ها و عوامل مجهول نشئت می‌گیرد. مجهول بودن عوامل ناشناخته بر تربیت هنرجویان سایه افکنده و باعث وخیم شدن اوضاع بیکاری می‌گردد. در این خصوص از پیامدهای عدم توجه به تربیت کارآفرینی می‌توان به مهاجرت افراد شغل‌های کاذب و بیکاری گسترده را نام برد (پناهی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱). پیامد منفی بیکاری در بین اکثریت فارغ‌التحصیلان دنیا شمول جهانی یافته است و حالت پاندمی به خود گرفته است.

از نظر نگارنده دلایل مهم این تحقیق شامل ۱- باعث عدم توجه صرف هنرجو به وضعیت مالی است. به‌خاطر همین هنرجو به این امر واقف می‌گردد که با هیچ هم می‌توان ارزش ایجاد کرد و اقدام به کارآفرینی نمود. ۲- باعث خوداشتغالی هنرجو می‌شود. ۳- موجب دگرگونی ارزش‌ها و تحول ماهیت آنها می‌شود. ۴-

اعتماد است. اما در عمل، کارآفرینان ممکن است با محدودیت‌های مالی، دستیابی به منابع لازم را دشوار یا غیرممکن ببینند. دامنه تأثیرات کارآفرینی بر جامعه بسیار وسیع است. این اثرات عبارت‌اند از ایجاد ثروت، اشتغال‌زایی، ایجاد و توسعه فناوری، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری، شناخت ایجاد و گسترش بازارهای جدید، افزایش رفاه، ساماندهی و استفاده اثربخش از منابع است (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۸). از آنجایی که کارآفرینی باعث ایجاد تغییرات مثبت در جامعه و راه‌اندازی کسب و کار جدید می‌شود در نتیجه اهمیت بسیار زیادی در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. کارآفرینی مهم‌ترین نقش در تغییر سطح زندگی از ساده به رفاه، تجملی دارد. در این میان توجه به عوامل تسهیل‌کننده کارآفرینی برای تربیت هنرجویان، نقش مهمی در تسریع، ارتقاء و پیشرفت و ادامه اقتصاد خود و در نهایت اقتصاد یک کشور به همراه دارد. از منظر تربیتی، چه از بعد تئوری و چه از بعد عملی، کاربردی می‌توان با روش‌های مختلف آموزشی، به تربیت هنرجویان همت گماشت. بدین منظور باید اقدام به شناسایی عوامل تسهیل و بازدارنده کارآفرینی نمود. شناسایی عوامل مذکور مستلزم شناخت اصول برگرفته از فلسفه تأسیس هنرستان است. مطابق اساسنامه فلسفه تأسیس هنرستان در تأمین نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر است (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۱۶). لیکن اصول برگرفته از فلسفه تضمین‌کننده موفقیت کارآفرینی است (ولتر و همکاران^۱، ۲۰۱۷، ص ۲). از این رو، باید به دنبال شناسایی راهی باشیم که برگرفته از اصول کارآفرینی برای تسهیل تربیت آنان باشد. در عمل اجرای اصول فعلی چندان کارآمد نمی‌باشد. بر اساس گزارش باشگاه خبرنگاران و مرکز آمار، ایران در حوزه کارآفرینی از میان ۱۳۷ کشور جهان در سال (۲۰۲۲). دارای رتبه ۷۲ است. نرخ اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های بخش صنعتی در سال (۱۴۰۰). برابر ۳۳/۲ درصد بوده

¹ - Welter et al

این باشد که آیا همه عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده تاکنون برای تربیت هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌ها مورد شناسایی قرار گرفته شده است؟ باتوجه به اهمیتی که کارآفرینی در رفع معضل بیکاری هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و رشد اقتصادی دارد، الگو و مدل مناسب برای عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده تربیت هنرجویان چگونه است؟ علاوه بر این کدام عامل نقش مهم‌تری نسبت به سایر عوامل دارد. بی‌شک در کارآفرین شدن هنرجویان، عوامل متعددی دخیل هستند که ضرورت دارد، شناسایی شوند تا درجات اثرگذاری هریک از آن‌ها مشخص گردد.

نتایج محتمل تحقیق می‌تواند بر روند فعلی امور و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های درسی و آموزشی مرتبط با امر کارآفرینی در سطح تحصیلات هنرستان‌ها عملاً مورد استفاده و بکار گرفته شود، تا میزان اثربخشی و بهره‌وری کارکرد هنرستان‌ها در راستای تربیت هنرجویان افزایش یابد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

کارآفرینی در فرهنگ فارسی عمیدبه
معنی ایجادکننده شغل است. کارآفرینی مفهومی است، که همراه با خلقت بشرو وجود داشته است. مفهوم کارآفرینی معنای گسترده‌ای دارد، به حدی که چارچوب‌های مختلفی برای توضیح مفهوم در طول زمان تدوین شده است (متالو و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱). واژه کارآفرین

نخستین بار از سوی اقتصاددان قرن هیجده میلادی توسط ریچارد کانتلیون معرفی شد. وی کارآفرین را عاملی می‌داند که ابزارهای تولید را بهای معینی می‌خرد، تا با ترکیب آنها محصول جدیدی را تولید کند (علیدوستی، خسرو جردی، ۱۳۹۱، ص ۲۳). آدام اسمیت از نخستین اقتصاددانانی بود که به طور غیرمستقیم تئوری کارآفرینی را معرفی کرد

موجب گذار از رکود اقتصادی، جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و آسان‌شدن روند رشد و توسعه کشور می‌شود. باتوجه به نقش و اهمیت کارآفرینی و سابقه درخشان کارآفرینان در توسعه بسیاری از کشورها پس اشاعه مفهوم کارآفرینی به منظور تربیت هنرجوی کارآفرین برای تمامی جوامع بخصوص برای جوامع در حال توسعه از اهمیت ضرورت حیاتی برخوردار است. بدین منظور شناخت ویژگی‌های مجهول تربیت هنرجویان بستری مناسب را برای جذب و رشد هنرجویان در راستای کارآفرینی اولین قدم و اساسی‌ترین عوامل ایجادکننده مسئله محسوب می‌شوند. از این رو هرکدام از این عوامل ناشناخته به وجود آورنده، ماهیت مسئله پژوهش هستند. در این زمینه شناسایی عوامل مذکور، برای فراهم‌سازی شرایط جهت تسهیل‌کنندگی و شناخت عوامل بازدارنده برای تربیت کارآفرینی حیاتی و ضروری بوده و می‌تواند، برای هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای کشور راه‌گشا باشد. بنا به دید متخصصان کارآفرین عوامل تسهیل‌کننده باعث راه‌اندازی سریع کسب‌وکار، در حداقل زمان ممکن می‌شود. همچنین بر موفقیت کارآفرین در رشد و توسعه کارآفرینی و ثمربخش هست. عوامل تسهیل‌کننده دستیابی به نتایج مثبت را سرعت می‌بخشد. از سویی دیگر عوامل بازدارنده باعث جلوگیری از کارآفرین شدن فرد هنرجو می‌گردد؛ بنابراین الزامی است تربیت، در هریک عوامل گوناگون ناشناخته به لحاظ کارآفرینی مورد پژوهش قرارداد تا حد تسهیل‌کنندگی و بازدارندگی هریک از عوامل تعیین گردد. از آنجایی که راهکارهای انجام شده در این زمینه به دلایل گوناگون از اثربخشی کمی برخوردار بوده است. بدین منظور محقق در این تحقیق به دنبال شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد و شاخص‌های عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده در زمینه تربیت هنرجوی کارآفرین است. در این باره بدیهی که پرسش اساسی

¹ Richard Cantillon

هستند (ادیل و دیگران، ۲۰۲۳، ص ۲) کارآفرینی برای بسیاری از مطالعات به عنوان یک پدیده مهم در نظر گرفته شده است (یورتکورو همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱). جوزف شومپتر با ارائه نظریه توسعه اقتصادی خود در سال (۱۹۳۴). که هم‌زمان با رکود اقتصادی بزرگ بود، سبب شد تا ایده‌هایش پیرامون نقش کلیدی کارآفرینان و پدیده کارآفرینی در ایجاد سود بهبود و پیشرفت اقتصادی، مورد توجه همگان قرار گیرد و به همین جهت به او لقب پدر کارآفرینی داده‌اند (محقرو همکاران، ۲۰۱۳، ص ۴). تاکنون مطالعات متعددی در رابطه با کارآفرینی صورت گرفته است، اکثریت مطالعات در خصوص کارآفرینی تجربی بوده و تحقیقات نظریه‌ای بسیار کم هست به دلیل جدید بودن موضوع، شناسایی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده کارآفرینی مطالعات دقیقی که بیان‌کننده مفهوم دقیق این عبارت باشد، در ادبیات جهانی و داخلی کمتر بوده است. بیشتر تلاش و کوشش دانشمندان و محققان گذشته در جهت پاسخ به سؤالاتی نظیر وجه تمایزی و ویژگی‌های اصلی افراد کارآفرین چیست؟ چرا بعضی از هنرستان‌ها توانسته‌اند، از سایر هنرستان‌ها پیشی بگیرند؟ در نهایت چرا بعضی از کشورها از کشورهای دیگر پیشرفت قابل توجه‌تری داشته‌اند؟ پاسخگویی به این سوال‌ها سبب پدید آمدن علم کارآفرینی شد که درون رویکرد رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان از منظرهای اقتصادی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت؛ به لحاظ متفاوت بودن موقعیت و امکانات آموزشی و از همه مهم‌تر وجود نیروی انسانی متخصص باعث تغییر در رسیدن به اهداف تربیتی می‌شود. از این جهت

(مورنوسانچز^۱، ۲۰۱۸، ص ۵). در سیر فرآیند تبیین مفهوم کارآفرینی ویژگی‌ها، کارکردها و فعالیت‌های متنوعی به فرد هنرجو نسبت داده می‌شوند. کارآفرینی واژه‌ای نسبتاً قدیمی است که ریشه فرانسوی دارد. از این سواصطلاح کارآفرین در قرن پانزدهم خط اصلی در فرانسه بود و به منظور توصیف فرمانده‌ای که سربازان را به نبرد هدایت می‌کند. از این اصطلاح استفاده شده است (کینیا^۲، ۲۰۱۳، ص ۲). در تعریف دیگر می‌توان گفت که کارآفرین طبق گفته پتر اکیس^۳ سال (۲۰۰۸). شخصی است که منابع ضروری را فعال کرده و به طور مؤثر از آنها برای تحقق فرصت کارآفرینی باهدف دستیابی به سود استفاده می‌کند؛ بنابراین، کارآفرین تصمیم می‌گیرد و خطرات را نیز به عهده می‌گیرد. او همچنین عوامل تولید را با مؤثرترین روش برای رسیدن به بزرگ‌ترین نتیجه ممکن سازماندهی می‌کند (کینیا^۳، ۲۰۱۳، ص ۲). کارآفرینی معمولاً به عنوان توانایی یک فرد برای تبدیل ایده‌ها به سرمایه‌گذاری‌های جدید قابل دوام تعریف می‌شود (ادیل^۴ و دیگران، ۲۰۲۳، ص ۱). کارآفرینی یک وضعیت پویا است که از طریق تعامل مداوم عوامل متعدد اجتماعی و فردی تحقق می‌یابد نه یک حالت ثابت که مجموع خصوصیات فردی است (گیل مارتین و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۳). به‌طور کلی از لحاظ تاریخی بسیاری از تعاریف مربوط به کارآفرینی حول محور کارآفرین فردی است (مک، پتزشل، ۲۰۱۴، ص ۸). البته پیچیدگی کارآفرینی مستلزم آن است که هنرجویان بتوانند با یک محیط نامطمئن کنار بیایند، بنابراین، هنرآموزان مسئول مشارکت در توسعه مهارت‌های خود برای کشف، برنامه‌ریزی و اجرا

⁴ Shahzada Adeel , Ana Dias Daniel , Anabela Botelho
⁵ Yurtkoru, E Serra. Acar, Pinar. Seray Teraman, Begüm

¹ Moreno Sanchez
² Kinias, Ioannis G
³ Petrakis

شرایط کارآفرین شدن هنرجویان در بین سایر هنرستان‌ها عمومیت ندارد. در این خصوص مفهوم کارآفرینی بر مبنای موقعیت و محیط به ویژگی‌هایی از جمله دسترسی به منابع و قواعد و تسهیل در روابط اجتماعی و امکانات مالی و اقتصادی جامعه مربوط است (بخشایی، ۱۳۹۱، ص ۳). البته نباید از این نکته غافل شد که توسعه توانایی کارآفرینی در بین هنرجویان مستلزم تسلط معلمان بر مفاهیم است (میچو^۱ و کانگو، ۲۰۲۳، ص ۱). به هر حال سرمایه انسانی کارآفرینی با مفهوم گسترده‌تری از سرمایه انسانی ارتباط دارد مشخصاً سرمایه انسانی کارآفرینی مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌هایی است که برای ایجاد و بهره‌برداری از فرصت‌های بازار با خود همراه می‌آورند (مقیم و داریانی، ۲۰۰۸). سرمایه انسانی تربیت شده مهمترین رکن هنرستان در کارآفرینی است. بنابراین تربیت نیروی انسانی آموزش دیده به عنوان مهم‌ترین رسالت آموزش و پرورش به شمار می‌رود و بر اساس اسناد بالادستی، سند تحول بنیادین و بیانیه گام دوم انقلاب اصلی‌ترین عامل خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نیروی انسانی محسوب می‌گردد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۲). مسئله توجه به نیروی انسانی به عنوان یک ثروت ملی و بالاتر از هر ثروت ملی دیگری نظیر زمین دریا و سایر منابع طبیعی در محوراندیشه‌های اقتصاد دانان بزرگ بوده است و به حق توسعه یک ملت را در گرو توسعه منابع انسانی دانسته‌اند (صمدزاده، ۱۳۷۵). امروزه تربیت نیروی انسانی جایگاه بسیار مهمی در پیش‌برد اهداف یک سازمان دارد. به همین دلیل مدیران منابع انسانی تلاش می‌کنند تا با به‌کارگیری روش‌های مختلف، به تربیت نیروی متخصص بپردازند و از این طریق،

سرعت رسیدن به هدف‌هایشان را افزایش دهند (فانی، بی تا). تربیت و آموزش، عملی کاملاً آگاهانه و ساختاری است که باهدف انتقال بهبود و ارتقاء دانش، مهارت و تکنیک، درک و نگرش یک فرد در راستای مطلوب صورت می‌گیرد (احمدی مقدم، سالاری، ۱۳۹۸، ص ۷). از سویی مهمترین عملکرد آموزش تربیت است. آموزش کارآفرینی، دانش، انگیزش و مهارت لازم برای شروع و پیشبرد روند امور یک کسب و کار موفق را فراهم می‌کند (دهمرده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲). شواهد موجود نشان می‌دهد که کارآفرینی می‌تواند در نتیجه برنامه‌های آموزشی، پرورش یابد (شیفمن و دیگران، ۲۰۰۴). مطالعات در اروپا در این باره نشان داده است که چنین آموزش‌هایی توانسته است افراد را مسئولیت پذیرتر به بار آورد و آنها را تبدیل به کارآفرین یا متفکران حوزه کارآفرینی کند. تیم گورمن (۱۹۹۷) به کار باندورا اشاره می‌کند که استدلال کرده، آموزش می‌تواند اصلی اساسی در ارتباط با شروع تاسیس یک کسب و کار باشد. ارائه مجموعه‌ای از مواد آموزشی تدوین شده شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه به افراد است تا با وجود ریسک، فرصت‌هایی را که دیگران نادیده گرفته‌اند، شناسایی کنند و با بینش و اعتماد به نفس در جاهایی که دیگران تعلل کرده‌اند، فوراً دست به کار شوند و کسب و کار خود را راه اندازی کنند (هاینس و دیگران، ۲۰۰۴). چندین مطالعه قبلی تأثیر مثبت برنامه‌های آموزش کارآفرینی در هنرستان‌ها بر امکان‌پذیری شروع سرمایه‌گذاری جدید یا حتی بر فعالیت واقعی کسب و کار نشان

¹ Heliona Miço, ORCID and Jonida Cungu

رشته خاصی سپری می‌کند. یعنی تربیت نیروی انسانی باید با ارتقاء حرفه‌ای در طول زمان و دستیابی به مهارت‌های جدید و اثربخشی در زمینه‌های مختلف شغلی صورت گیرد (اوزمان گلووهمکاران، ۲۰۱۰، ص ۱). یک نیروی انسانی زمانی می‌تواند برای یک کسب و کار ارزش‌آفرینی کند که در کنار دانش از مهارت‌های لازم برای انجام حرفه خود برخوردار باشد (مجمع خیرین توسعه و ترویج آموزش فنی و حرفه‌ای، ۱۴۰۱). مهارت‌های کارآفرینی شامل آن دسته از فعالیت‌ها یا دانش عملیاتی است که برای استقرار و اداره یک کسب و کار اقتصادی موفق مورد نیاز است (دربان آستانه و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۳). برای شروع کسب و کار باید مهارت‌های خاصی آموخت به طور کلی چهار مهارت مهم در بین کارآفرینان مشترک هست این مهارت‌ها شامل ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقانه، مهارت‌های عملی می‌باشند (درجزینی، بی تا). وانگ و دیگران در هنرستان شاندونگ چین طی تحقیقی در سال (۲۰۲۲). با عنوان مسیر آموزش کارآفرینی هنرجویان تحت اسناد علی از دیدگاه روانشناسی کارآفرینی. به این نتیجه رسیدند که وضعیت آموزش کارآفرینی برای هنرجویان در حد قوی می‌باشد. آگوستینو، موچون، فریجاتی در هنرستان نوسانتارا اندونزی به سال (۲۰۲۲). با عنوان پژوهش عبارت بود از تلاش‌ها برای ارتقای شخصیت کارآفرینی دانش‌آموزان از طریق پیش آموزش در مواجهه با تغییرات انقلاب صنعتی. آنها به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های کارآفرینی قبل از ارایه آموزش تأثیر مثبتی بر روحیه کارآفرینی دانشجوین در جهت کارآفرینی

می‌دهد (گریونیتز^۱ و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۳). برای ایجاد شغل، آموزش کارآفرینی به عنوان یک جزء جدایی ناپذیر در سیستم آموزشی هنرستان است (وسپیر^۲ و دیگران، ۱۹۸۷، ص ۱). آموزش کارآفرینی فرآیندی است که به افراد توانایی تشخیص فرصت‌های تجاری، عزت نفس، دانش و مهارت‌هایی برای عمل کردن بر اساس آنها را می‌دهد (جونز^۳ و دیگران، ۲۰۰۴، ص ۱). اخیراً یادگیری تجربی به عنوان رویکردی برای آموزش کارآفرینی مورد استفاده قرار گرفته است زیرا تأثیر مثبتی بر توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینی دارد (موتائ^۴ و گالینا، ۲۰۲۳، ص ۱). در واقع آموزش‌های هنرستانی منجر به تربیت هنرجو می‌شود. حال باید به بررسی این پرداخت که چه عوامل و ویژگی‌هایی باعث تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد در هنرستان‌ها شروع می‌شود؟ فرآیند آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد چگونه باشد؟ آیا آموزش بر کسب دانش مربوط به کارآفرینی موثر است؟ آیا آموزش بر کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی تأثیر دارد؟ به طور کلی، مهارت‌هایی که سبب ارتقا سطح کیفی عملکرد یک هنرجو می‌شوند، در دو دسته تخصصی و عمومی جای دارند. علومی که با تخصص فرد در ارتباط هستند، به صورت کارگاهی یا کلاس‌های عملی - تئوری در یک دوره آموزشی ارائه می‌شوند. در یک شرایط ایده‌آل، آموزش کارآفرینی یکی از دوره‌هایی است که درک و آموزش مهارت‌های هنرجویان رافراهم می‌کند (روسمین، ۲۰۱۸^۵، ص ۲).. در کل هنرجو یکسری پارامترهایی را برای تربیت شدن در

⁴ Victória Figueiredo Motta, Simone Vasconcelos Ribeiro Galina

⁵ Firmansyah & Rusmin F

¹ Georg von Graevenitz, Dietmar Harhoff, Richard Weber

² Karl H. Vesper, William B. Gartner

³ Jones, C. and English, J.

راه‌اندازی کسب‌وکار است (ویسی، کریم‌زاده، ۲۰۱۹، ص ۹). در این میان مهم‌ترین مهارت‌های لازم برای تربیت هنرجوی کارآفرین عبارت است از ۱- مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقانه ۲- مهارت بین‌فردی ۳- مهارت عملی. به طور عام توجه و تحقیق راجع به بُعد انسانی باعث شناسایی ویژگی‌های روان‌شناختی می‌شود. همچنین تحقیق نسبت به سایر ابعاد نیز باعث شناسایی سایر ویژگی‌ها می‌گردد. به طور کلی یک تربیت زمانی اثربخش است که هنرجو بخوبی مهارت‌های تجربی یادگرفته باشد. اغلب نظریه‌ها توصیفی از تبیین‌کننده‌های ویژگی‌های فردی، ساختاری و محیطی هستند که بر تصمیمات هنرجو تأثیر می‌گذارند. بر همین اساس جهت درک عمیق از فرآیند کارآفرینی برای تربیت هنرجو در ایجاد کسب و کارهای جدید عوامل و ویژگی‌های فردی، ساختاری و محیطی برای کارآفرینی به همراه برخی از مهمترین نظریات مبانی نظری در زیر ارایه شد.

روش پژوهش کیفی:

روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا مبتنی بر پژوهش آمیخته همگرا است. در مرحله اول بر اساس اهداف و سوالات پژوهشی محتوا و متون مصاحبه انتخاب شد. در مرحله دوم از طریق جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های مصاحبه‌ها جملات کلیدی مضامین براساس توصیف آشکار ویژگی‌های فردی، ساختاری و محیطی ساخته شد. در مرحله سوم برای سازماندهی مضامین مشابه در یک دسته قرارگرفت و براساس مشابهت کدگذاری باز صورت گرفت. در مرحله چهارم جهت ساختن کدگذاری محوری ارتباط و همبستگی مقولات فرعی با مقولات اصلی در جهت شناسایی الگو مشخص شد. در این راستا، نحوه ارتباط مفاهیم از نگاه سوژه‌ها کشف شد. در مرحله پنجم، به منظور

شدن می‌گذارد. شیندینا^۱ و همکاران از دانشگاه ایالتی اورال جنوبی روسیه (۲۰۱۵). طی پژوهشی با عنوان تربیت کارآفرینان در جامعه نوآورانه در کشور روسیه به این نتیجه رسیدند که در شرایط فعلی وجود برنامه‌های مشاوره برای شروع کسب‌وکار به عنوان یک نکته مثبت در تربیت کارآفرینان برای جامعه نوآورانه الزامی است. امینی روشن و دیگران در سال (۱۴۰۱). از شهر مشهد طی پژوهشی با عنوان ارائه مدل ویژگی شخصیتی و انگیزه کارآفرینی بر قصد راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ورزشی به این نتیجه رسیدند که آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه دانشجویان کارآفرین عواملی مؤثر در راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی می‌باشند. آن چیزی که در اینجا مهم است، تربیت کارآفرین است. تربیت به‌عنوان یک فرایند برنامه‌ریزی شده برای اصلاح نگرش، دانش، مهارت یا رفتار از طریق تجربه یادگیری برای دستیابی به عملکرد مؤثر در یک فعالیت یا طیف و سعی از فعالیت‌ها تعریف می‌شود (می‌لهم، ابوشمسیه، آروستگی، ۲۰۱۴، ص ۱). تربیت هنرجوی کارآفرین در روش سنتی به‌صورت تجارب موجود در کسب‌وکار خانوادگی و دسترسی به سرمایه مالی بیشتر است (رودیکالوکا، کازان، ۲۰۱۱، ص ۲). هنرجوی تربیت یافته باید یاد بگیرد که چگونه فرصت‌ها را کشف و از آن‌ها بهره‌برداری کند. بهره‌برداری از فرصت نیز مستلزم داشتن مهارت‌های خاص کارآفرینی است (مارلی، ۲۰۰۵، ص ۵۳۶). به طور عام، به توفیقات یا رفتارهایی گفته می‌شوند که به واسطه عمل یا آموزش به دست می‌آیند (چونگ، ۲۰۰۹، ص ۱۰). در این میان مهارت‌ها به منزله اجزای ساختمانی شغل آینده است. توانایی مدیریت توسعه و رشد، یافتن شیوه‌های جدید، رقابت و حفظ موقعیت در بازار و یافتن بازارهای جدید نیز از جمله مهارت‌های موردنیاز کارآفرین بعد از

³ Chong

¹- Tatyana Shindina, Yevgeniy Lysenko, Nina Orlova
², Marrelli

سازماندهی مجدد برای تلخیص و کدگذاری انتخابی داده‌ها ارتباط و همبستگی مقولات اصلی نسبت به مقوله تربیت در دسته‌های جداگانه ای قرار گرفت. در مرحله ششم ویژگی‌های اصلی به همراه مقولات فرعی جهت صحت کدگذاری توسط اعضاء شرکت کنندگان در تحقیق به صورت سیاه رفتار(چک لیست) کنترل و تأیید شد. در مرحله هفتم روایی تحلیل کیفی به کمک ضریب کاپای کوهن محاسبه شد. در مرحله هشتم تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک کامپیوتر شد. در مرحله نهم به منظور تأیید یا رد مقولات از روش آمیخته همگرا استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش:

جامعه پژوهش شامل ۲۵ نفر از اساتید و هنرآموزان دانشگاهی و هنرستانی است.

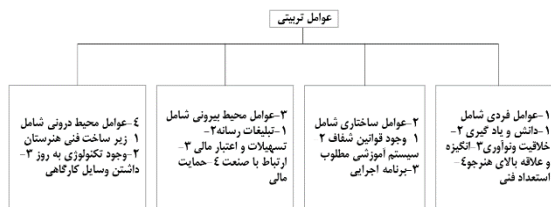
روش نمونه‌گیری کیفی: محقق با توجه به هدف پژوهش و انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس مرتبط بودن به مسئله و داشتن آگاهی نسبت به اطلاعات غنی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند اقدام به نمونه‌گیری نموده است. از این جهت محقق بیشترین اطلاعات را در مورد موضوع تحقیق و شناخت پدیده مورد نظر در اختیار داشته است. به خاطر همین اعضاء شرکت‌کننده در تحقیق نقش کلیدی در پژوهش داشتند.

ابزار گردآوری داده‌ها: محقق به منظور گردآوری اطلاعات در جهت شناسایی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده تربیت کارآفرینی هنرجویان در هنرستان‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده کرده است. بدین منظور با توجه به هدف پژوهش ضمن پرسیدن سؤالات اصلی پژوهش کیفی بر حسب پاسخ مصاحبه‌شونده سؤالات فرعی گوناگونی نیز پرسیده شد. در این روش پژوهشگر مصاحبه‌اش را با اساتید دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها و هنرآموزان تا اشباع داده‌ها انجام داده است. هدف اصلی از این کار استخراج مؤلفه‌ها بوده است. پس از ضبط فایل صوتی مصاحبه‌ها

جهت پیاده‌سازی محتواهای صوتی مصاحبه‌ها را به متن نوشتاری تبدیل کرده است. با استفاده از کدگذاری باز مقوله‌های پژوهش را شناسایی نموده است. برای تحلیل تفسیری متن مصاحبه، زیر گفته‌های اساسی خط کشیده شده است، همچنین گفته‌های تکراری، جمله‌های معترضه، گفته‌های انحرافی و سایر داده‌های نامربوط نادیده گرفته شد. برخی از گفته‌های مشابه که به نظر می‌رسد چیز تازه‌ای را مطرح می‌کند مشخص گردید. هنگامی که تمام متن مصاحبه مرور شد، پژوهشگر دوباره به متن اولیه برگشته، آنها را مرور نموده تا اطمینان یابد در خط کشیدن گفته‌های اصلی اساسی، دچار غفلت نشده است. مقوله‌های اصلی شناسایی شده شامل ۱- ویژگی‌های فردی ۲- ویژگی‌های ساختاری ۳- ویژگی‌های محیط بیرونی ۴- ویژگی‌های محیط درون هنرستان بودند. پس از بررسی شباهت‌ها و ویژگی‌های مشابه مقولات انتخابی به دلیل جامعیت شناسایی شد. روی هم رفته چهار مقوله انتخابی شناسایی شد. این مقولات انتخابی شامل عوامل فردی، عوامل اشتغال‌زایی، عوامل ساختاری، عوامل محیطی بودند. ارتباط سایر مقوله‌ها با مقولات انتخابی در پنج عنوان شرایط علی، راهبردها، کنش، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها تحقق یافت. مقولات مداخله‌گر نیز نسبت به شرایط و وضعیتی شناسایی شد. مقولات مداخله‌گر به دلیل تشابه بیشتر نسبت به عوامل و ویژگی‌های محوری در قالب‌های (فردی، ساختاری، محیطی). طبقه‌بندی شد.

روایی پژوهش کیفی: برای سنجش روایی از یک سری چک‌لیست آماده که در آن مقوله‌ها با کدهای اصلی و ابعاد نوشته شده جهت بررسی و تأیید و کنترل به اعضاء شرکت‌کننده در تحقیق بعد از مصاحبه داده شد. همچنین از روش سه سویه سازی داده‌ها برای گردآوری داده‌ها، ارزشیابی و داوری بر روی داده‌ها، و بازنمایی یافته‌ها استفاده شد، تا تبیین‌هایی منطقی و معتبرتر از پدیده کارآفرینی ساخته شود.

مقوله‌های محوری و مقوله‌های فرعی به طور منظم بررسی شد. طی این فرایند کدگذاری تعداد ۱۴۰ کدباز استخراج و اشباع شد و از تلفیق آنها تعداد ۳۲ کد محوری و از تلفیق آنها نیز تعداد ۴ کد انتخابی در چهار مقوله اصلی احصاء گردید. مقوله شرایط علی شامل مقولات فردی، ساختاری، محیطی هستند. بدین ترتیب مقوله علی فردی شامل (۱- اشتغال‌زایی هنرجو و سایر افراد ۲- کسب دانش، تجربه و مهارت ۳- انجام دادن مراحل کار ۴- خلاق و نوآور بودن هنرجو) بوده و مقوله علی ساختاری شامل (۱- مجهز بودن کارگاه ۲- بروکراسی روشن) بوده و مقوله علی محیطی شامل ۱- راه‌اندازی کسب‌وکار ۲- سرمایه مالی ۳- فرهنگ رایج است.



شکل ۱-۲ ارتباط عوامل باسازه

مقولات مداخله‌گر در بعد (فردی) شناسایی شد. مقولات مداخله‌گر فردی شامل (بی‌علاقگی هنرجو) است. بی‌علاقگی هنرجو اولین و مهم‌ترین مقوله مداخله‌گر فردی است. بی‌علاقگی هنرجو باعث تمرین کمتر آموزش‌های فراگرفته می‌شود؛ از این جهت بعد از تمرین، روحیه و خلاقیت هنرجو تغییر نمی‌کند. در نتیجه مهم‌ترین عامل بازدارندگی در کارآفرین شدن هنرجو است. از نظر مشارکت‌کنندگان تحقیق دلیل بازدارندگی به بی‌علاقگی و غامض بودن (پیچیده) محتوای یادگیری دروس بر می‌گردد. به عبارت دیگر اگر هنرجو نتوانسته باشد درس را یاد گیرد نسبت به درس بی‌علاقه می‌شود. در واقع هنرجویی که پایه علمی ضعیفی دارد، توانایی کمی از درک و فهم محتوای آموزشی دارد. در نتیجه محتوای آموزشی را غامض می‌پندارد. چهارچوب کدگذاری‌ها در تحلیل داده‌های سؤال اول در زیر نشان داده شد.

پایایی پژوهش کیفی: محقق برای پایایی پژوهش کیفی از پایایی توافق بین دو کدگذار استفاده نموده است. در این پژوهش ضریب توافق بین دو کدگذار بر اساس خروجی نرم‌افزار ۰/۹۶ بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی: اساساً تجزیه و تحلیل استقرایی در مقام یکی از روش‌های تحلیل شواهد تجربی درصد بازگ کردن و نشان دادن معنای نهفته در متن یا واقعه درون زمینه است. برای پیدا کردن معنای نهفته متن مصاحبه‌ها جهت شناسایی ویژگی‌های هریک از شاخصه‌های متغیرهای فردی، ساختاری و محیطی افراد کارآفرین از روش تجزیه تحلیل استقرایی به کمک نرم افزار مکس کیودا استفاده شده است. به منظور طراحی مدل یکی از مقوله‌ها که در اینجا تربیت کارآفرینی است به عنوان مقوله اصلی در نظر گرفته شده و ارتباط بقیه مقوله‌ها با آن تعیین شد. در این پژوهش سعی شده بر اساس فهم پژوهشگر از متن پدیده مورد مطالعه یعنی کارآفرینی، چهارچوب مدل به صورت تحلیل محتوایی به شکل ترسیمی نشان داده شود. نتایج مراحل بالا در قالب شکل به شماره ۱-۱ ارائه شده است. در شکل زیر فرایند کدگذاری و تقلیل داده‌ها در چهارمقاله نشان داده شده است.



شکل ۱-۱ فرایند کدگذاری و تقلیل داده‌ها

یافته‌های پژوهش: پس از جمع‌آوری اطلاعات از جامعه مورد مطالعه، مصاحبه‌ها بررسی و پیاده‌سازی شد. برای درک و تبیین فرایند تربیت کارآفرینی با استفاده از شیوه‌های منظم گردآوری داده‌ها، به تشخیص مقوله‌ها، مضمون‌ها و برقراری رابطه میان این مقوله‌ها پرداخته شد، تا مدلی برای تبیین فرایند تربیت کارآفرینی هنرجویان در هنرستان عرضه شود. بدین سان ارتباط سایر مقوله‌ها با مقوله انتخابی در پنج مقوله تحت عنوان شرایط علی، راهبردها، کنش، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها تحقق یافت. از این جهت رونوشت مصاحبه‌ها برای یافتن مقوله‌های کلی،

جدول ۱-۳ چهارچوب کدگذاری‌ها در تحلیل داده‌های سؤال

اول

سازه اصلی	ابعاد	مقوله کلی	مقوله‌های محوری	نمونه مقوله‌های فرعی
تسهیل کننده تربیت	فردی	عوامل فردی	ویژگی‌های فردی	داشتن هنرآموز مجرب، هنرآموز، انگیزه زیاد و علاقه بالای هنرجو، استعداد فنی
ساختار ی	ساختار ی	عوامل ساختار ی	ویژگی‌های ساختاری	وجود قوانین شفاف، سیستم آموزشی مطلوب، وجود توجه کافی، امکانات فنی هنرستان،
				تبلیغ از صداوسیما، دسترسی به منابع مالی، تسهیلات و اعتبارات مالی، وجود پول، ارتباط با کارخانه، شناخت و مهیا نمودن زمینه کار، بازدید علمی، حمایت از هنرجو، حمایت مالی، شناخت و اشتغال خانواده، فراهم نمودن زمینه کار، راهنمایی هنرجو
				زیرساخت فنی هنرستان، داشتن زیرساخت، داشتن تکنولوژی به روز، داشتن وسایل کارگاهی، فضای آموزشی سازنده
محیطی	محیطی	عوامل محیطی بیرون	ویژگی‌های محیط بیرون	زیرساخت فنی هنرستان، داشتن زیرساخت، داشتن تکنولوژی به روز، داشتن وسایل کارگاهی، فضای آموزشی سازنده
				زیرساخت فنی هنرستان، داشتن زیرساخت، داشتن تکنولوژی به روز، داشتن وسایل کارگاهی، فضای آموزشی سازنده

محقق بر اساس گفته‌ها و اظهارات مصاحبه شونده‌گان با پیاده سازی آن به صورت مکتوب اقدام به کدگذاری باز از متن گفتگوها نموده است. در ادامه کدگذاری سایر مقولات شناسایی و اشباع شد. بعد برحسب ویژگی‌های هر کد انتخابی با زیر مقوله هایش اقدام به استخراج مقوله‌های مشترک شد. منطبق نظر مصاحبه شونده‌گان و برحسب روابط منطقی بین مقوله‌های انتخابی با سایر مقولات شاخصه‌ها کشف و جداگانه طبقه‌بندی شد. تا ابعاد هر شاخص نسبت به اظهارات مصاحبه شونده‌گان پژوهش نشان داده شود. همه این مراحل حول مرکزیت سازه اصلی تربیت سازماندهی شد.

جدول ۱-۴ نمونه مصاحبه از سوال اول پژوهش

سوال ۱	به نظر شما عوامل تسهیل کننده تربیت دانش آموزان کار آفرین در هنرستانهای ایران کدامند؟	کدگذاری
کد	متن مصاحبه	کدگذاری باز

۱	ما باید دانش آموزان را طوری تربیت کنیم که بتوانند در راستای مهارت آموزشی و یادگرفتن فنون کار تلاش کنند در هنرستان ها پایه ها را یاد بگیرند	مهارت آموزشی، یادگرفتن فنون کار، یادگیری پایه‌ای دروس
۲	دانش آموزکار آفرین از نظر من دانش آموزی گفته می شود که این بعد از فارغ التحصیل شدن از هنرستان بتواند در واقع با آن آموزش هایی که تو هنرستان فرا گرفته برای خود کار ایجاد کند. عوامل تسهیل کننده یکی اینکه این به نظر من این مقررات دست و پاگیر حذف بشود.	فارغ التحصیل شدن، یادگرفتن آموزشها، ایجاد کار، حذف قوانین دست پاگیر

مصاحبه شونده دوم نقل می‌کند که آموزش نیروی انسانی هنرستانهای ما تسهیل کننده‌اند. هنرستان‌هایمان را به جایگاهی برسانیم که بتوانند دانش‌آموزان کارآفرین در واقع آموزش بدهد تربیت کنند باید شرایطی را فراهم کنیم مخصوصاً مدیر که بتواند به مسائل مهم آموزشی تو هنرستان اش فکر کند. مصاحبه شونده پنجم نقل می‌کند هنرآموز قبل از هر چیز کارآفرینی تدریس کند. مصاحبه شونده ششم نقل می‌کند که بودجه‌ها را ما می‌توانیم به عنوان عامل تسهیل کننده در خلاقیت و نوآوری و پیشرو بودن مدارس در نظر بگیریم. مصاحبه شونده ششم نقل می‌کند که هنرآموزان ایجاد انگیزه می‌کنند با مطالب جدید و اطلاعات روز در کلاس حاضر می‌شوند و می‌توانند مطالب جدید بدهند. مصاحبه شونده هشتم نقل می‌کند که به نسبت علاقه‌ای که داشتیم به مراکز فنی و حرفه‌ای می‌رفتم، من آنجا هم آموزش می‌دیدم، کار می‌کردم این چیزی نیست که به هنرجو تزریق بشود، هنرآموز باید حس بکند تا با توجه به حسی که دارد آن را به دانش‌آموز منتقل کند. مصاحبه شونده یازدهم نقل می‌کند که آموزش باید در حدی باشد که

کارآفرینی برای اشتغالزایی، نبود ارتباط با مراکز تولیدی و صنعتی، عدم آگای از طراحی طرح کسب و کار از موانع کارآفرینی هستند. همچنین کاظمی، قاسمی، رستم بخش طی تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی از موانع رفتاری کارآفرینی سازمانی هست. دومین مقوله کلی کشف شده برحسب روابط مفهومی عوامل ساختاری است. مقوله کلی کشف شده برحسب روابط مفهومی عوامل ساختاری دانسته است. این مقوله دارای یک مقوله محوری به نام ویژگی‌های ساختاری دارد مقوله محوری نام برده شده دارای مقولات فرعی (کتاب درسی به روز نشده، نظری بودن محتوا، سیستم آموزشی نامطلوب، کمبود بودجه هنرستان، افزایش هزینه کرد، کمبود امکانات) اشباع شده است. مقوله کلی عوامل ساختاری به دلیل ماهیت ساختاری در بعد ساختاری قرار داده گرفته است. مقوله محوری این مقوله کلی ویژگی‌های ساختاری است، که به دلیل روابط مفهومی و مشترکی که با سایر مقولات فرعی خود دارد، در مقوله مشترک ویژگی‌های ساختاری سازماندهی شده است. سومین مقوله کلی کشف شده برحسب روابط مفهومی عوامل محیطی دانسته است. این مقوله دارای یک مقوله محوری به نام ویژگی‌های محیطی دارد. مقوله محوری ویژگی‌های محیطی دارای مقوله فرعی اشباع شده (عدم حمایت خانواده هنرجو، مسایل مالی) هست. محقق در آخر تمام این مراحل را حول مرکزیت سازه اصلی عوامل بازدارنده تربیت کارآفرینی سازماندهی نموده است.

جدول ۱-۵ چهارچوب کدگذاری ها در تحلیل داده های

سوال دوم

سازه اصلی	مقوله کلی	مقوله محوری	نمونه مقوله های فرعی (کدگذاری باز)
بازدارندگی های تربیت هنرجو	عوامل فردی	ویژگیهای فردی	آموزش سستی به هنرجو، تدریس تئوری محور، پایه علمی پایین هنرآموز، علاقه کم هنرجو، بی

طرف بتواند این پروژه را از صفر تا صد انجام دهد. حالا باید سرفصل‌های کتاب آن را پوشش بدهد. مصاحبه شونده دوازدهم نقل می‌کند که دانش‌آموزان برای اینکه چیزی یاد بگیرند از استادان مجرب استفاده نکنند. مصاحبه شونده چهاردهم نقل می‌کند که دانش‌آموزان باید در رشته و شغل خودشان به صورت مشخص‌تر با کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و افراد کارآفرین در ارتباط مداوم باشند یعنی علاوه بر اینکه در محیط هنرستان دارند آموزش می‌بینند خارج از محیط هنرستان‌ها هم بروند و آموزش ببینند. سوال دوم درباره شناسایی عوامل بازدارنده تربیت دانش‌آموزان کارآفرین در هنرستانهای ایران هست؟ محقق برای پاسخگویی به این سؤال پس از کشف مفاهیم و اشباع کدها به این یافته دست یافت که در حال حاضر مقولات بازدارنده کلی در پدیده کارآفرینی هنرجویان (عوامل فردی، عوامل ساختاری، عوامل محیطی) می‌باشند در این میان اولین مقوله کلی بازدارنده به نام عوامل فردی دارای یک مقوله محوری به نام ویژگی‌های فردی بوده است. این مقوله محوری دارای مقولات فرعی اشباع شده (آموزش سستی، پایه علمی پایین هنرآموز، علاقه کم هنرجو، بی علاقه هنرجو، انگیزه پایین هنرجو، نبود انگیزه) می‌باشند. مقوله کلی عوامل فردی به دلیل عام بودن مقوله در ذات افراد انسانی در بعد فردی قرار داده گرفته شد. این مقوله محوری به دلیل روابط مفهومی و مشترکی که با سایر مقولات فرعی خود دارد، در مقوله مشترک ویژگی‌های فردی سازماندهی شده است. این مقوله کلی به دلیل جامعیت و مقایسه پذیری و تفسیر پذیری در شاخص فردی قرار گرفته شد. نتایج مقوله این پژوهش همسو است با نتایج کیفی کاظمی، قاسمی، رستم بخش سال (۱۳۹۰) با نتایج پژوهش کیفی میرزامحمدی، پورطهماسبی، تاجورسال (۱۳۸۷) آنان به این نتیجه رسیدند که کاربردی نبودن آموزش‌ها، هماهنگ نبودن دانش و مهارت‌ها با بازار کار، محدود بودن اختیار مدیران در زمینه برگزاری دروس

<p>خانواده هنرجو- عدم شناسایی استعداد، نبود سواد استعدادیابی، تحت تاثیر عوامل، هدایت نادرست</p>	<p>عوامل بازدارنده تربیت نمی توانیم بگوئیم یک مورد دارد. موردیکی خود خانواده است. اصلا استعداد فرزندانش رانمی تواند انجام بدهد یا سواد این چنین چیزی را ندارد تحت تاثیر عوامل محیطی قرار می گیرد. ناخودآگاه هدایتش می کند. به سمتی که اصلا تو ذات بچه نیست.</p>	<p>۱</p>
<p>محیط هنرستان، فراهم نبودن شرایط، امکانات هنرستان</p>	<p>محیط هنرستان یک محیطی باشد که دانش آموز را کارآفرین بار بیورد اما مشکل اصلی دز محیط فراهم نبودن شرایط برای تربیت هنرجوی کارآفرین است.</p>	<p>۲</p>

نگارنده بعد از اشباع، مقولات (آموزش به هنرجو، سیستم آموزشی، کتاب درسی، امکانات هنرستان، تجهیزات هنرستان، بودجه هنرستان، ایده هنرجو، علاقه هنرجو، انگیزه هنرجو، عدم حمایت از هنرجو، منابع مالی) اشباع شده را به عنوان زیر مقولات پذیرفته است. در طول فرآیند برحسب ویژگی های مشترک و روابط مفهومی نزدیک بین مولفه های فرعی اقدام به عنوان دهی مقولات فرعی در قالب مقوله محوری نموده است. این عمل طوری انجام گرفته که همپوشانی خوبی بین مقولات فرعی و محوری ایجاد شود از اینرو محقق مقولات محوری (آموزش هنرآموز، ویژگی های ساختاری، ویژگی های هنرجو، ویژگی های محیطی، مشکلات مالی) را به عنوان مقولات محوری انتخاب نموده است. محقق برحسب ویژگی های مشترک و روابط مفهومی نزدیک بین مولفه های محوری اقدام به عنوان دهی مقولات محوری تحت مقوله انتخابی نموده است. در پایان تمامی این مقولات را برحسب سازه اصلی مربوط به سوال را مشخص کرده است. بعد محقق برحسب ویژگی های هر کد انتخابی با زیر مقوله هایش اقدام به استخراج مقوله های مشترک نموده است. محقق همه این مراحل را حول مرکزیت سازه

<p>علاقه هنرجو، سرمایه کم هنرجو، انگیزه پایین هنرجو، نبود انگیزه</p>		
<p>سیستم آموزشی نامطلوب، کتاب درسی به روز نشده، نبود بودجه، کمبود بودجه،</p>	<p>ویژگیهای ساختاری</p>	<p>عوامل ساختاری</p>
<p>عدم حمایت از هنرجو، عدم حمایت مالی، عدم حمایت خانواده هنرجو، مسایل مالی، کمبود امکانات، نبود امکانات،</p>	<p>ویژگیهای محیطی</p>	<p>عوامل محیطی</p>

مصاحبه شونده هشتم نقل می کند که امکانات خوب در اختیار دانش آموزان قرار نمی دهند. بعد عدم اهمیت به کارهای فراگیران و عدم تشویق شان است. مصاحبه شونده نهم نقل می کند که کمبود امکانات یک بخش است. آن امکاناتی را که می خواهیم نداریم. دانش آموز متأسفانه فقط تئوری می خواند. دانش آموز وقتی بعد از فارغ التحصیل شدن به بازار رفت به دلیل سواد تئوری نمی توانند یک کاری انجام دهند، پس بر می گردند و این برایشان تبلیات منفی می شود. مصاحبه شونده دهم نقل می کند که امکانات نیست بعد امکانات کارگاهی خیلی خیلی کم است. واقعاً کم است تعارف هم نداریم. امکانات کارگاهی تقریباً به صفر رسیده است، به اضافه دید منفی نسبت به دانش آموزان هنرستان است. مصاحبه شونده یازدهم نقل می کند که نبود امکانات کمبود امکانات کارگاهی است. بسترهای نرم افزاری و سخت افزاری که باید تو هنرستانها باشد زیاد به روز نیست، وسایل مان به روز نیست. سیستم آموزشی مان یک جور است که اهمیتی به هنرستان نمی دهد.

جدول ۱-۶ نمونه مصاحبه از سوال دوم پژوهش

<p>کدگذاری</p>	<p>در حال حاضر عوامل بازدارنده تربیت دانش آموزان کار آفرین در هنرستانهای ایران کدامند؟</p>	<p>سوال ۲</p>
<p>کدگذاری باز</p>	<p>متن مصاحبه</p>	<p>کد</p>

فردی می‌باشد. این مؤلفه به ترتیب از ریزمقولات اثرگذار (۱- آموزش مهارتی ۲- آموزش به روز- آموزش کاربردی هنرجویان) در پدیده تربیت کارآفرینی هنرجویان درست شدند. بر این اساس آموزش مهارتی اثرگذارترین ریزمقوله تربیتی می‌باشد. مثل نظریه بلوم آموزش مهارتی به دلیل استفاده از اعضای بدن در حین یادگیری باعث یادگیری عمیق می‌شود. این یادگیری با آموزش به روز منجر به تربیت مهارتی می‌گردد. آموزش نظری نیز به خاطر سطحی بودن آموزش و عدم توجه به یادگیری مادام‌العمر باعث تربیت شناختی می‌گردد. همه ریزمقولات ذکر شده با سطوح نظریه یادگیری بنجامین بلوم همسوهست. از سویی دیگر مقوله پایه ضعیف علمی نقش بازدارندگی در تربیت هنرجو دارد. این نتیجه همسو با پژوهش مرادی، محمد، عمانی، احمد رضا (۱۳۹۷) است. با این شباهت که ضعیف بودن هنرجویان در درس پایه، کم توجهی به کیفیت بخشی به آموزش، کم بودن طول دوره تحصیلی و عدم تنوع در فعالیت‌های آموزشی از مهمترین موانع و مشکلات نظام آموزشی برای کارآفرینی هنرجویان است. پژوهش آنها از لحاظ ناامیدی و نگرانی هنرجو نسبت به آینده شغلی با پژوهش حاضر تفاوت داشت. دومین عامل اثرگذار در تربیت هنرجوی کارآفرین ساختار سیستم آموزشی هنرستان است. حال آن که سیستم آموزشی کارآمد محور برطبق آموزش و پرورش تأثیراتی شگرفی در ساختار نظام آموزشی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی می‌گذارد. سیستم آموزش فعلی متعادل گونه هست. برای داشتن سیستم آموزشی مطلوب و کارآمد محور باید تغییرات شگرفی در اهداف و برنامه راهبردی عملیاتی آن داشت. این تغییرات باید سیستم رابه سوی سیستم آموزشی توانا سوق دهد. تاپاسخگوی نیازهای هنرجویان باشد. نتایج مقوله این مؤلفه همسو است با نتایج پژوهش کیفی یوسفی حاجیوند، خسروی پور در سال (۱۳۹۱) آنها ویژگی‌های ساختاری مانند

اصولی تربیت سازماندهی نموده است. خلاصه بندی یافته های تحقیق: با توجه به توضیحات داده شده، مقوله هسته ای (کدگزینی یا انتخابی) تربیت هنرجویان کارآفرین شد. این مقوله کلیه مقولات دیگر را تحت پوشش قرار می‌دهد. مدل ارتباطی این تبیین در شکل شماره چهار ارائه شده است.



شکل ۱- مدل ارتباطی داده ها

همانطور که در شکل دوم نمایش داده شده، مدل ارتباطی این پژوهش از یک سری شرایط که شامل شرایط علی، شرایط زمینه ای و شرایط میانجی می‌باشد، تشکیل شده که منجر به بروز کنشها و تعاملات می‌شود. پیامد این کنشها و تعاملات، تربیت هنرجویان کارآفرین در نظام آموزشی است.

بحث و نتیجه‌گیری : اکثریت مشارکت‌کنندگان این مطالعه مردان با میزان (۷۶/۴) تشکیل داده بودند. کل مقولات در چهار پدیده محوری تحت عنوان (۱- ویژگی‌های فردی ۲- ویژگی‌های ساختاری ۳- ویژگی‌های محیط بیرونی ۴- ویژگی‌های محیط درونی) سازماندهی شد. از نظر اکثریت مشارکت‌کنندگان در تحقیق اولین مؤلفه انتخابی مقوله ویژگی‌های فردی است. این مؤلفه مهم‌ترین و اثرگذارترین مقوله در تربیت کارآفرین شدن هنرجویان است. زیرمقوله آموزش بیشترین نقش و تأثیر در تربیت مهارتی، شناختی هنرجویان دارد. در این باره اولین مؤلفه محوری کشف شده آموزش هنرآموز در بعد

استراتژی، کارایی و فرهنگ سازمانی و ارتباطات برای کارآفرینی لازم دانسته‌اند. از نظر آنان عوامل بازدارنده به خاطر تاکید بیش از حد بر قوانین و مقررات خشک رسمی، سلسله مراتب انعطاف ناپذیر، نبود آزادی عمل، برنامه های رسمی و نقش های سخت و محکم کادر آموزشی است. از نظر مشارکت کنندگان مهم ترین واثرگذارترین مؤلفه عامل محیطی در بعد محیطی میزان حمایت مالی از هنرجو است. به نظر آنان حمایت مالی بیشتر برابر کارآفرینی بیشتر است. عکس قضیه رانیز صادق می‌شمارند به باور آنان میزان حمایت مالی مشخص کننده درصد کارآفرینی هنرجویان می‌دانند. البته آنان تأثیر بیشتر محیط درونی در با کیفیت بودن تدریس مهم می‌شمارند. اما بحث در این است که با توجه به چند بعدی بودن کارآفرینی بر طبق آخرین نظریه در زمینه تربیت کارآفرین باید بیشتر به مقوله آموزش تجربی پرداخته شود. یعنی تربیت مهارتی عامل اصلی تربیت هنرجویان باشد. حال آن که به لحاظ ساختار و محیط آموزشی اثرگذار گوناگون تربیت هنرجو باید به صورت اقتضایی باشد. یعنی تربیت مهارت محور نیز صرفاً عامل اصلی در تربیت هنرجویان دخیل نیست. یعنی با توجه به نظریه استون در سال (۱۹۹۵) تربیت باید به شکل اقتضایی باشد. به عبارت دیگر در جایی که آموزش باعث تحریک سطوح بالای انگیزه و مشارکت هنرجو در فعالیت های کارگاهی شود از تربیت مهارتی استفاده شود. برای این که از نظر مشارکت کنندگان این نوع تربیت باعث ایجاد یادگیری عمیق می‌شود. اما در جایی که محتوای قابل فهم و فارغ از امکانات آموزشی باشد تربیت شناختی کارآمدتر است. به عبارت ساده تریک واحد درسی را هنرآموز با توجه محتوا و شرایط موقعیتی می‌تواند به شکل مهارت محوری تدریس کند. هنرآموز دیگر همان واحد درسی به لحاظ متغیر بودن شرایط موقعیتی با استفاده از تکنیک ساده سازی به شکل شناخت محور تدریس کند. به طور کلی عوامل فردی، ساختاری

و محیط آموزشی تعیین کننده نوع تربیت آموزشی است. از نظر مشارکت کنندگان پژوهش مقوله امکانات آموزشی نقش تسهیل کننده در یادگیری و تربیت هنرجو دارد. از طرف دیگر عدم استفاده و نبود امکانات آموزشی نقش با دارنده در تربیت هنرجو دارد. در راستای پژوهش باقری فر، صالحی (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز، بروز نبودن کتب درسی، ناکافی بودن منابع مالی، روز نبودن اطلاعات و روش های آموزشی، عدم اختصاص زمان کافی برای مهارت آموزی، عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته شده با نیازهای بازار کار از موانع مهم کارآفرینی است. نتایج مقوله این پژوهش همسو است با نتایج پژوهش کیفی ملکی ورستمی (۱۳۹۲) با این شباهت که در بررسی موانع کارآفرینی سه مقوله به صورت برجسته ضعف نظام های آموزشی و پژوهشی را نشان می‌دهند. این مقولات شامل ۱- کمبود زیرساخت های اطلاع رسانی و فناوری ها ۲- موانع ساختاری و تشکیلاتی نظام های آموزشی ۳- ضعف کارآمدی و روز آمدی اعضای کادر آموزشی بودند.

پیشنهاد اجرایی: به لحاظ تعیین کنندگی نقش شرایط در تربیت هنرجوی کارآفرین توصیه می‌شود با تغییر میزان عوامل فردی، ساختاری و محیطی از روش های گوناگون برای تربیت هنرجوی کارآفرین استفاده شود. به همین منظور هنرجویان هر ماه ارزیابی شوند تا حد اکثر کارایی را داشته باشند. منطبق بر همین رویه هنرجو هم فرصت بین می‌باشد و هم با تغییر عوامل یاد شده فرصت ساز است.

فهرست منابع

- الوانی، سیدمهدی؛ صفری، سعید، کهن هوش نژاد، رضا، & خدامرادی، سعید (۱۳۹۵). عوامل موثر بر کارآفرینی سازمانی (مورد مطالعه صنایع غذایی). مطالعات مدیریت (بهبود و تحول). ۲۵(۸۲).
- ویسی، & کریم زاده. (۲۰۱۹). توسعه فرهنگ کارآفرینی؛ عوامل و راهکارها (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور استان مازندران). فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۱۵(۲)، ۱۵۹-۱۸۲.
- وفائی نژاد، یوسف زاده، یوسفی، & محمدی ورزنه. (۲۰۱۴). مدیریت توزیع آب در شبکه‌های آبیاری و تخصیص الگوی کشت به کمک سیستم اطلاعات مکانی و برنامه‌ریزی خطی (نمونه موردی: اراضی پایین دست سد آغ‌چای). اکوهیدرولوژی، ۱(۲)، ۱۲۳-۱۳۲.
- کردنائیج، اسدالله، زالی، بهامین، & ماجد. (۱۳۹۲). راهکارهای ساختاری توسعه کارآفرینی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۶(۲)، ۹۵-۱۱۴.
- Education, T. T. (2018). Preparation of a Learning Module for Entrepreneurship Course at Economic Education Study Program of Faculty of Teacher Training and Education Sriwijaya University. *International Education Studies*, 11(5).
- Adeel, S., Daniel, A. D., & Botelho, A. (2023). The effect of entrepreneurship education on the determinants of entrepreneurial behaviour among higher education students: A multi-group analysis. *Journal of Innovation & Knowledge*, 8(1), 100324.
- Berry, Berry, J. W., & Sanchez, J. (2019). Perceiving entrepreneurs: Job title comparisons in warmth and
- احمدپورداریانی، محمود، & ابراهیمی، صبا (۱۳۹۶). کارآفرینی یک دقیقه‌ای: در هزار نکته کارآفرینانه. چاپ اول. ویراستار: سیدعلی اکبر میرجعفری. انتشارات محراب قلم.
- امینی، پرهیزگار، رضوانی، مهران، & فرجام. (۱۳۹۴). طراحی مدل مفهومی کارآفرینی ارزش آفرین (موج چهارم). تحقیقات بازاریابی نوین، ۵(ویژه نامه چهارمین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی)، ۱۹-۳۰.
- ظهیری، هوشنگ (۱۳۹۰). فراتحلیل مطالعات کارآفرینی و اشتغال. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- علیدوستی، سیروس، & خسروجردی، محمود (۱۳۹۱). مبانی اطلاع فرینی: کارآفرینی با اطلاعات و در اطلاع رسانی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. ویراستار: زهرا تهوری. پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران چاپ اول. تهران: نشر چاپار.
- محرر، علی؛ هاشمی پرودی، سیدحمید، & فیروزجائیان مجتبی (۲۰۱۳). تجزیه و تحلیل موانع کارآفرینی در ایران با استفاده از (DEMATEL) فازی. گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه تهران.
- محمدیان، محمد مهدی؛ سمیع علی آبادی، محمد مهدی، & رسولی، هلیا (۱۳۹۵) ارتباط میان کارآفرینی اجتماعی، اقتصادی و سازمانی. کنفرانس بین المللی نخبگان مدیریت. تهران. سالن نمایش‌های بین المللی دانشکده شهیدبهشتی
- شرفی، محمد، مقدم، & مذبحی. (۲۰۱۱). برنامه درسی آموزش کارآفرینی: هدف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱(۳)، ۹۷-۱۳۶.

- Miço, H., & Cungu, J. (2023). Entrepreneurship Education, a Challenging Learning Process towards Entrepreneurial Competence in Education. *Administrative Sciences*, 13(1), 22.
- Moreno Sanchez, A.(2018). Environmental Factors That Affect The Entrepreneurial Intention. University UAB.Universitat Autònoma de Barcelona.Date: May 26 th , 2018.
- Rönnqvist, R., & Rigley, B. (2010). Entrepreneurship Education and its Outcomes: A study investigating students' attitudes and motivations after completing an entrepreneurial program
- Taze, M., & Karayol, M. (2020). Investigation of entrepreneurship levels and employability perception of undergraduate students studying sports sciences. *International Education Studies*, 13(5), 35-43.
- Uzmanoğlu, S., İşgören, N. Ç., Çınar, A., Tektaş, N., Oral, B., Büyükpehlivan, G., ... & Polat, Z. (2010). Evaluation of educational and technical structure at vocational schools. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 3447-3451.
- Welter, F., Baker, T., Audretsch, D. B., & Gartner, W. B. (2017). Everyday entrepreneurship—a call for entrepreneurship research to embrace entrepreneurial diversity. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(3), 311-321.
- Xue, Y. (2018). The role of the entrepreneurial-oriented university in stimulating women entrepreneurship (Master's thesis, University of Twente)..
- Yıldırım, A., & Baştuğ, İ. (2010). Teachers' views about ethical leadership behaviors of primary school competence. *Journal of Business Venturing Insights*, 12, e00145.
- Devlin, J. G. (2015). An introductory course in music entrepreneurship (Doctoral dissertation, University of Maryland, College Park).
- Gilmartin, S. K., Thompson, M. E., Morton, E., Jin, Q., Chen, H. L., Colby, A., & Sheppard, S. D. (2019). Entrepreneurial intent of engineering and business undergraduate students. *Journal of Engineering Education*, 108(3), 316-336
- Gündoğdu, M. Ç. (2012). Re-thinking entrepreneurship, intrapreneurship, and innovation: A multi-concept perspective. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 41, 296-303.
- Jena, R. K. (2020). Measuring the impact of business management Student's attitude towards entrepreneurship education on entrepreneurial intention: A case study. *Computers in Human Behavior*, 107, 106275.
- Kinias, I. G. (2013). The importance of the entrepreneurial background in the detection and the utilization of the information. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 73, 564-572.
- Mack, J., & Pützschel, J. (2014). The Influence of Contextual Factors on the Entrepreneurial Process: A Multiple-Case Study of Sustainability-oriented and Commercial Entrepreneurship in Central America.
- Metallo, C., Agrifoglio, R., Briganti, P., Mercurio, L., & Ferrara, M. (2020). Entrepreneurial behaviour and new venture creation: The psychoanalytic perspective. *Journal of Innovation & Knowledge*, 6(1), 35-42.

directors. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 4109-4114.

Yuen Sze Goh, A. (2014). Insights from a Bourdieusian lens: The relationship between college-based and workplace learning in becoming a vocational-technical education teacher in Brunei. *Journal of Workplace Learning*, 26(1), 22-38.

Yurtkoru, E. S., Acar, P., & Teraman, B. S. (2014). Willingness to take risk and entrepreneurial intention of university students: An empirical study comparing private and state universities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 834-840.

Yurtkoru, E. S., Acar, P., & Teraman, B. S. (2014). Willingness to take risk and entrepreneurial intention of university students: An empirical study comparing private and state universities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 834-840.